پیوندهای فرهنگی ایرانیان و ارمنیان


سکه ای با طرح یکی از سلاطین اورارتو در ارمنستان پیش از میلاد

مطلب حاضر، اجمالی است در باب پیوندهای مشترک تاریخی و فرهنگی میان ایرانیان و ارمنیان. این دو ملت همسایه و همجوار، در طول تاریخ، حادثه‌های مشترکی را از سر گذرانده و در بسیاری از زمینه‌ها سرنوشت مشترکی داشته‌اند. پادشاهان باستانی ایران ـ از هخامنشیان تا ساسانیان ـ با کمک به حکمرانان و شاهان ارمنی و پذیرش آنان به عنوان متحد قابل اعتماد ایران، در گسترش این پیوندها نقش اساسی داشته‌اند. بعدها، کوچ اجباری بزرگ ارامنه در عهد شاه عباس بزرگ، گامی دیگر در این همپیوندی بوده است. نویسنده مقاله حاضر، پژوهشگر، مترجم و مؤلف آثار متعددی در عرصه تاریخ و فرهنگ و زبان و ادب ارمنی است. احمد نوری زاده از نادرشاعران غیر ارمنی است که اشعاری را به زبان ارمنی سروده است.

احمد نوری‌زاده

از آغاز هزاره دوم پیش از میلاد در کوهستان‌های هزار شاخه ارمنستان، در زندگی [اقتصادی] ـ [اجتماعی] اقوام بومی پیشرفت بزرگی حاصل شده بود. به این صورت که اتحادیه‌های مستحکم و بزرگ قبیله‌ای تشکیل شده بودند که در میان آنها لایه‌بندی اجتماعی شکل گرفته و روند تشکیل ملت ارمنی آغاز شده بود. ملت ارمنی در نتیجه ادغام و اختلاط اتنیک تدریجی تعدادی قبیله و طایفه که از دیرباز در کوهستان‌های ارمنستان سکنی گزیده بودند، به وجود آمده است و هر قبیله و طایفه‌ای بخشی از ویژگی‌های اتنیک و اتیک خود را در مجموعه ملی به ارث گذارده‌اند. این ویژگی عبارتند از خصوصیات فیزیکی انسانی، فرهنگ مادی و معنوی و سنت‌های انباشته شده در طول قرون متمادی. گرد هسته مرکزی زبان هند و اروپایی ارمنی، یکی از همین اقوام، در کنار دیگر قبایل و طوایف، گنجینه‌های واژگانی زبان‌های خود را که به خانواده‌های گوناگون زبانی تعلق داشته‌اند، فراهم آورده و انباشته‌اند.

اطلاعات به دست آمده از سنگ نوشته‌ها و الواح گلین به خط میخی حاکی از آن است که در هزاره دوم پیش از میلاد در گستره جنوبی کوهستان‌های ارمنستان، اقوام خویشاوند با هم یعنی خورر (هورر) و اورارتو ساکن بودند. علاوه بر این اقوام دیگری هم در کوهستان‌های ارمنستان به سر می‌بردند که از پراهمیت‌ترین آنها اتحادیه‌های مقتدر قبیله‌ای هایاسا (خایاسا) و آززی بودند که بعدها به صورت عناصر اولیه تشکیل دهنده ملت ارمنی به شمار آمدند. زبان (هایاسا)ها به درستی معلوم نیست اما بر پایه پاره‌ای شواهد، آنها به زبان هند و اروپایی خویشاوند با زبان مشهور به زبان ختی ـ لوویائی تکلم می‌کرده‌اند.

در منابع سنگ‌نوشته آشوری مربوط به اوایل قرن دوازدهم پیش از میلاد، درباره پاره‌ای از قبایل ارمنی زبان هند و اروپایی ساکن در مناطق واقع در جنوب‌غربی کوهستان‌های ارمنستان گزارش‌هایی داده شده است. این قبایل بعدها در منابع یونانی آرمن‌ها نامیده شده‌اند. بدین گونه می‌بینیم که این قبایل ماقبل ارمنی، یعنی اجداد بلافصل ارمنیان از قرن دوازدهم پیش از میلاد در سرزمین‌های گسترده از حاشیه رود فرات تا کوهستان ساسون در ارمنستان، می‌زیسته‌اند. رفته رفته اقوام و اتحادیه‌های قبیله‌ای ساکن در این مناطق راه اختلاط و ادغام زبانی ـ قومی را در پیش می‌گیرند و روند تشکیل ملت یکپارچه ارمنی را آغاز می‌کنند که در جریان این روند قبایل ارمنی زبان با نیرومندتر شدن خود توانسته‌اند عناصر و اجزای دیگر قبایل و طوایف را با هم درآمیزند و زبان و فرهنگ خود را به آنان انتقال دهند و به ملت به وجود آمده نام مستقل ارمن را بدهند. در این روند ادغام و اختلاط قومی ـ ملی، نقش قبایل و طوایف موسوم به هایاسا نیز بسیار چشمگیر بوده است. به گونه‌ای که این قبایل، نام ملی «های» را به ملت داده‌اند که ارمنی‌ها به همین دلیل و به زبان ارمنی، خود را «های» می‌نامند. بر این اساس، می‌بینیم که روند تشکیل ملت ارمنی از واپسین قرن‌های هزاره دوم پیش از میلاد آغاز می‌شود و تقریباً در پایان هزاره نخست پیش از میلاد به فرجام خود می‌رسد و ملت ارمنی به صورتی انسجام یافته و یکپارچه در عرصه تاریخ جهان ظاهر می‌شود.

دوستی دو ملت ایران و ارمنستان ریشه در هزاره‌ها دارد. ملت‌های ساکن در ایران و ارمنستان علاوه بر تعلق نژادی به قوم مادر هند و اروپایی، به طور مشخص از سال ۶۱۲ پیش از میلاد دارای تاریخ مکتوب دوستی هستند. در این سال ملت ارمنی به سرکردگی یک نفر به نام باروير (Barouyr) به یاری امپراتوری ماد می‌شتابد تا با هم‌پیمانی بابل، حکومت در حال ضعف آشور را براندازد. به همین علت هم باروير از طرف پادشاه ماد به دریافت تاج مفتخر می‌شود و به مثابه اولین پادشاه ارمنی در عرصه تاریخ پدیدار می‌گردد. بعدها، وقتی داریوش اول پادشاه هخامنشی، به دنبال سرنگونی دولت ماد و پدیداری شورش‌هایی در کشورهای هم‌پیمان امپراتوری ماد، این شورش‌ها را در سال ۵۲۲ـ ۵۲۰ پیش از میلاد سرکوب می‌کند، در متن نوشته‌های پارسی و عیلامی کتیبه معروف بیستون، از ارمنستان با نام سرزمین «ارمینه» و از ساکنان آن با نام «ارمینیان» یاد می‌شود. پس از سرکوب شورش پادشاهی نیمه مستقل ارمنستان توسط داریوش اول، این کشور به رده «ساتراپ‌نشین»های امپراتوری هخامنشی تنزل می‌کند و این وضعیت تقریباً مدت دو قرن ادامه می‌یابد. اما به رغم کشمکش‌های موجود میان شاهان و سلاطین، ملت‌های ارمنستان و ایران پیوسته دوستی و مناسبات برادرانه خود را حفظ کرده‌اند و روز به روز ژرفش هرچه بیشتری به آن بخشیده‌اند.

در دهه‌های نخست قرن اول میلادی، پادشاهان ارمنستان غالباً از سوی روم برگزیده و حمایت می‌شدند. در سال ۵۱ میلادی، بلاش اول (۷۸ـ۵۱م) یکی از کارآمدترین و مقتدرترین شاهان پارت بر تخت می‌نشیند و ارمنستان به عنوان دومین شاه‌نشین مستقل اشکانی اعلام می‌شود و برادر بلاش اول، یعنی تیرداد، بر تخت پادشاهی جلوس می‌کند. تیرداد که از اخلاف اشکانیان دارای ۳۰۰ سال سابقه حکومتی بود، خصایص و سنت‌های خاندان پارتی را با خود داشت و این عوامل به ناگزیر نشان خود را در رفتار و کردار او بر جا می‌نهادند. اما در همین زمان، هنوز سنت‌ها و آداب حکومتی شاهان ارمنی پیشین به گونه‌ای بود که شاهان پارتی ارمنستان نیز به ملت ارمنی پیوسته و پذیرفته می‌شدند. این روند ارمنی شدن شاهان اشکانی ارمنستان که به نام شاهان آرشاکونی یا ارشاکیانی سلطنت می‌کردند، از خود تیرداد آغاز شد. مردم ارمنستان نه تنها او را پذیرفتند، بلکه دیری نپایید که در فرهنگ و ادبیات شفاهی

خویش او را به مثابه عزیزترین و بزرگ‌ترین قهرمان ملی خود ستایش کردند. بعدها،یعنی از زمان سلطنت واقارش دوم (واقارش تلفظ ارمنی بلاش است) که در سال ۱۸۰ میلادی بر تخت نشست و نیز خسرو اول، سلطنت موروثی اشکانیان ارمنی (آرشاکونی‌ها) آغاز شد و تا سال ۴۲۸ میلادی ادامه یافت. تا آن زمان شاهان اشکانی ارمنستان که از شخصیت‌های برجسته اشکانی بودند، از سوی شاه پارت منصوب می‌شدند.

ملت ارمنی نیز مانند همه ملت‌های شرقی و غربی جهان،در طول تاریخ فرهنگی خود دارای باورهای گوناگونی بوده است. از باورهای ابتدایی بشری یعنی توتمیزم گرفته تا کیش پرستش آب،سنگ، آتش و ... به دلیل مبارزه گسترده پرچمداران مسیحیت با باورهای شرک‌آلود در ارمنستان،درباره ایزدستان اساطیری ارمنستان آگاهی‌های همه جانبه و کامل وجود ندارد. با این حال بر اساس گزارش‌های تحقیقی پژوهشگران ارمنی روشن شده است که ایزدستان اساطیری ارمنی به طور عمده از ایزدستان‌های اساطیری جنوب غربی، یعنی آشوری - بابلی؛ غربی یعنی ایزدستان اساطیری آسیای صغیر و «خت»ها (هیتی‌ها) و نیز جنوب شرقی یعنی ایزدستان اساطیری ایران باستان تاثیر پذیرفته است و ایزدانی را به عاریت گرفته است. در این میان تأثیر ایزدستان اساطیری یونان و ایران باستان بر ایزدستان اساطیری ارمنی چشمگیرتر بوده است.

پدر ایزدان ایزدستان اساطیری ارمنستان آرامازد نام دارد که در برخی صفات و خویشکاری‌ها، به ویژه نام خود، با اهوره مزدا خدای بزرگ ایرانیان باستان تشابه بسیار دارد. تشابه واهاگن ایزد اساطیری شجاعت، جنگاوری، رعد، نیرومندی مطلق، پیروزی، آتش و خورشید با ورثرغنه (ورتراگنا - ورترهن - بهرام) ایزد اساطیری ایران باستان، آناهید (آناهیت) محبوب‌ترین ایزد بانوی ارمنی که در اساطیر ارمنستان ایزد بانوی فره و زندگی ارمنستان، زندگی‌بخش، مادر همه خردها و خیرخواه همهٔ نژاد بشر قلمداد می‌شد، با ناهید یا آناهیتا ایزد بانوی زرتشتی اساطیر ایران و همین طور میهر یا میترا در اساطیر ارمنستان با مهر ایزد بسیار محبوب و مقتدر ایران باستان نه تنها اندک است بلکه بسیار زیاد و کاملاً آشکار است و عاریتی بودن آنها را در ایزدستان ارمنی اثبات می‌کند. ایزدستان اساطیری ارمنی تا آغاز سدهٔ چهارم میلادی رونق داشت تا آنکه در دهه اول و دوم قرن چهارم ارمنستان به مثابه اولین کشور تاریخ دین مسیح را پذیرفت و آن را دین رسمی خود اعلام کرد.

منشاء زبان ارمنی، زبان قوم هایاسا بوده است. «هایاسا»ها دارای زبان ریشه‌ای هند و اروپایی خویش بوده‌اند و در جریان کند روند ادغام و اختلاط قومی ساکنان ارمنستان، به مرور، زبان خود را به سایر اقوام شرکت‌کننده در این روند تحمیل کرده‌اند و به نوبه خود از زبان‌های سایر اقوام شرکت‌کننده در روند ادغام و اختلاط تأثیر پذیرفته‌اند. زبان هایاسایی قواعد دستوری ویژهٔ خود و ذخیرهٔ اصلی واژگانی‌اش را دارا بوده است. این زبان بعدها که به صورت زبان واحد ملی درآمد از ذخیرهٔ واژگانی غنی و نیرومندی برخوردار شد و به زبان ملی فراروییده و کاربرد وسیعی یافت. در دههٔ آغازین قرن پنجم میلادی، یک روحانی عالی مقام ارمنی به نام مسروب ماشتوتس الفبای ویژهٔزبان نوشتاری ارمنی را ابداع کرد که دارای ۳۸ حرف است. علم زبان‌شناسی معاصر براساس آخرین یافته‌ها خط ارمنی را، به هنگام جدول‌بندی خط‌ها، در شاخه بیزانسی خط یونانی شرقی، که از یونانی باستان منشعب شده است، قرار می‌دهد.

ملت ارمنی در طول تاریخ موجودیت خود، با دیگر ملل جهان روابط اقتصادی - سیاسی - فرهنگی تنگاتنگی داشته است. علاوه بر این، مدت‌های مدید نیز تحت استیلای حکومت‌های دیگر بوده است. در چنین شرایط زندگی تاریخی، ملت ارمنی در نتیجه روابط اقتصادی - سیاسی با ملل دیگر برخی تأثیرات فرهنگی - زبانی نیز پذیرفته است و به نوبه خود بر آن‌ها تاثیر نهاده است.

در جریان این روند تاثیرپذیری و تاثیرگذاری، ملت ارمنی از لحاظ زبانی، در وهله اول از زبان‌های موسوم به زبان‌های ایرانی، زبان یونانی و در مقیاس کوچکتری هم از زبان‌های آشوری، گرجی و عربی متأثر شده است. تأثیر زبان‌های ایرانی در زبان ارمنی به میزان زیادی از طریق وام گذاردن واژه‌های جداگانه و منفرد در زبان محاوره‌ای و سپس زبان ادبی، صورت گرفته است. حال آن که تأثیر زبان یونانی عمدتاً بر زبان ادبی، فلسفی و علمی ارمنی بوده است. آکادمیسین هراچیا آجاریان زبان‌شناس نامدار ارمنی، شمار واژه‌های وارد شده از زبان‌های ایرانی را به زبان ارمنی هزار و چهارصد و یازده واژه برآورد کرده است. دیگر زبان‌شناسان شمار این واژه‌ها را بسیار بیشتر اعلام می‌کنند. اگر زبان‌های ایرانی و دیگر زبان‌ها تنها از طریق واژه‌های جداگانه و نه جمله‌سازی و شیوهٔ نگارش، بر زبان ارمنی تأثیر نهاده‌اند، زبان یونانی از طریق سبک و عناصر انشایی و جمله‌پردازی در زبان نوشتاری ارمنی موثر بوده و این امر در نتیجه ترجمه‌های بسیار از زبان یونانی به ارمنی، میسر شده است.

ارمنستان از همان سده‌های آغازین میلادی به دلیل جنگ و رقابت میان ایران اشکانی و ساسانی و روم و بیزانس به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شد. ارمنستان شرقی از همان آغاز دارای گرایش ایرانی بود و ارمنستان غربی متناوباً میان روم و بیزانس و عثمانی دست به دست شده است. به دلیل وجود این شرایط تاریخی ویژه، زبان ارمنی به دو شاخهٔ ارمنی شرقی و ارمنی غربی تقسیم شده ولی الفبای زبان نوشتاری و رسم الخط واحد و یکپارچهٔ خود را پیوسته حفظ کرده است.

در زبان ارمنی شرقی امروز وام‌گیری از زبان‌های ایرانی، بویژه زبان پارتی (پهلوی اشکانی) و گویش‌های پهلوانیک و پارسیک، به مراتب نیرومندتر است. حال آن که زبان ارمنی غربی بیشتر از زبان‌های یونانی، اصطلاح‌های متداول در زبان‌های رایج در گستره امپراتوری بیزانس و زبان ترکی تاثیر پذیرفته است. به همین دلیل نیز متفکران ارمنی خودشان را یک ملت با دو زبان ارزیابی می‌کنند. هر یک از این زبان‌ها دارای ده‌ها لهجه و گویش خاص هستند که گاهی فهم آن‌ها برای ساکنان مناطق مختلف ارمنستان دشوار است. درحال حاضر از مجموع حدوداً هشت میلیون ارمنی جهان تقریباً نیمی به زبان ارمنی شرقی تکلم می‌کنند و نیمی دیگر به ارمنی غربی، یعنی ارمنیان ساکن در جمهوری ارمنستان به زبان ارمنی شرقی تکلم می‌کنند و ارمنیان پراکنده در کشورهای جهان که پس از فاجعهٔ سال ۱۹۱۵ از ارمنستان غربی رانده شدند و در کشورهای گوناگون جهان به ویژه در لبنان و سوریه و آمریکا ساکن شدند و به آنها «اسپیورکاها یوتیون» یا ارمنی‌های پراکنده اطلاق می‌شود، به زبان ارمنی غربی تکلم می‌کنند.

ارمنی‌های ایرانی به زبان ارمنی شرقی تکلم می‌کنند. علت این امر نیز آن است که شاه عباس اسلاف آنان را در سال ۱۶۰۴ میلادی از نواحی ارمنستان شرقی به ایران کوچانده بود و آنان را در جلفای اصفهان، که خود ارمنی‌ها به آن «نورجوقا» می‌گویند و به معنی «جلفای نو» است، اسکان داده بود. وجوه اشتراک میان ایرانی‌ها و ارمنی‌ها بسیار است و نمی‌توان آنها را تک‌تک برشمرد، ملت‌های ساکن در ایران و ارمنستان به موازات تعلق نژادی یکسان هند و اروپایی‌شان، دارای سابقهٔ دوستی و همسایگی درازمدت هستند که این دوستی، ریشه در هزاره‌ها دارد. بسیاری از رفتارهای اجتماعی، معیشتی و آداب و سنن ایرانی‌ها و ارمنی‌ها دارای منشأ واحد هستند. حتی بسیاری از اسامی خاص در زبان ارمنی وجود دارند که دارای منشأ ایرانی هستند و با همان حرکات اصلی کهن خود ادا می‌شوند. ارمنی‌ها در طول تاریخ، بسیاری از جشن‌ها و اعیاد و مراسم ملی - سنتی خود را از ایرانی‌ها به عاریت گرفته‌اند که امروزه در میان ارمنی‌ها با همان جزئیات کهن یا اندکی تغییر، همه ساله برگزار می‌شوند.